

«آوای عدالت»

ویکتور هوگو در چین

نوشته لی مئی بینگ

ویکتور هوگو یکی از اولین نویسندگان غربی بود که چین را با آشنایی و آثارش را ترجمه کردند.

خوانندگان چینی از طریق سوزیکو، مترجم چینی، در آغاز قرن بیستم ویکتور هوگو را کشف کردند؛ سوزیکو در سال ۱۹۰۳ یازده فصل اول داستان «بینوایان» را به صورت پاورقی در یکی از روزنامه‌های شانگهای منتشر کرد. هرچند که این ترجمه احتمالاً چندان دقیق نبوده است، با اینهمه هوگو را به چینشناسان و بزودی دو ترجمه دیگری در سالهای ۱۹۰۶ و ۱۹۰۷ در پی آن صورت گرفت. علاقه شدیدی نسبت به هوگو در میان مردم چین پیدا شد و اغلب آثارش ترجمه و منتشر گردید: «بوگژارگال»، «آخرین روز یک محکوم»، «گوزیشت نوتردام»، «نودوسه»، «کارگران دریا» و «هان ایسلندی».

لوخون (۱۸۸۱ - ۱۹۳۶)، یکی از نویسندگان بزرگ چین، بخشی از «بینوایان» را ترجمه و تحت عنوان «فانتین» منتشر کرد.

زنگ پو (۱۸۷۲-۱۹۳۵) که به خاطر رمانش تحت عنوان «گلی برخاسته از اقیانوس گناه» شهرت دارد، اولین چینی است که تصمیم به ترجمه مجموعه آثار هوگو گرفت. زنگ پو در فاصله سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۳۵ آثار زیر را از هوگو ترجمه کرد: «ماری تودور»، «نودوسه»، «ری پلاس»، «ازانی»، «مردی که می‌خندد»، «کرامول»، «ماريون دو لورم»، «شاه تفریح می‌کند»، «دوقلوها»، «آنزلو»، «خودکامه پادوا»، «تئاتر در آزادی»، «گوزیشت نوتردام» و همچنین تعدادی دیگر از نوشته‌ها و اشعار هوگو.

در این میان سایر آثار هوگو نیز در چین ترجمه و منتشر شدند. از جمله: «فقر»، ترجمه لیوبانوک (۱۸۹۱-۱۹۳۴)، نویسنده و زبان‌شناس، «وجدان»، ترجمه دانی وانگشو (۱۹۰۵-۱۹۵۰)؛ «فصل بذرافشانی» و «شب»، ترجمه لیانگ زونگادی، شاعر چینی.

اوج شهرت ویکتور هوگو در چین در سال ۱۹۳۵ مقارن با پنجاهمین سالگرد مرگ او بود. بدین مناسبت مائودون، یکی از بزرگترین داستان‌نویسان مدرن دوران ما، مطالبی درباره «بینوایان» و «ارنانی» منتشر کرد. شن بائوچی، متخصص فرهنگ فرانسه، شرحی بر «بینوایان» نوشت و «منتخب اشعار هوگو» را به چاپ رساند. ماسونگ روتک، که به تازگی از فرانسه دیدار کرده بود، «ویکتور هوگو، داستان‌نویس فرانسوی» و «ویکتور هوگو از چشم فرانسویان» را نوشت.

روزنامه‌های معتبر آن دوره، نظیر «روزنامه صبح بی‌چینک» و «بیطرفی» نیز مقالات زیادی درباره هوگو نوشتند.

در ۱۹۵۲ بسیاری از شخصیت‌های برجسته چینی مقالاتی درباره صد و پنجاهمین سالگرد تولد هوگو در روزنامه‌های چین به چاپ رساندند. گومورو (۱۸۹۲-۱۹۷۲)، شاعر، نمایشنامه‌نویس و سیاستمدار چینی، که در آن زمان معاون دائمی کمیته مجلس ملی خلق بود، با نوشتن «برای صلح، دیکراسی و پیشرفت» سیمای جالبی از هوگو را باز نمود. مائودون، که در آن دوره وزیر فرهنگ بود، مقاله‌ای تحت عنوان «چرا چینی‌ها آثار هوگو را دوست دارند» نوشت و پیشنهاد کرد که مراسم یادبود هوگو در دومین جلسه شورای جهانی صلح در وین برگزار شود.

در همین زمان کتابخانه بی‌چینک نمایشگاه مهمی از زندگی و آثار هوگو ترتیب داد و آثار هوگو به نحوی بارز در کتابفروشیها به نمایش گذاشته شد. ترجمه‌های جدیدی نیز در بعضی از آثار مهم او صورت گرفت که «نودوسه»، «مردی که می‌خندد» و «بینوایان» از مهمترین آنها بودند. زندگینامه‌ای نیز از او به چاپ رسید.

از سال ۱۹۷۶ آثار هوگو حتی با سرعت بیشتری وارد چین شده است؛ مثلاً هشت ترجمه از «بینوایان» انتشار یافته است! سه برگزیده از اشعار او به ترجمه ون جیاسی، جین زینگ و چنگ بائویی مرتباً تجدید چاپ شده است. در ۱۹۸۱ سمپوزیومی سراسری درباره هوگو در چانگشا، پایتخت ایالت هونان، برگزار گردید که صدها تن از معلمان، محققان و متخصصان ادبیات فرانسه در آن حضور یافتند. حدود نود مقاله در این گردهمایی ارائه شد که بیست‌تای آنها در مجموعه‌ای تحت عنوان «شرح‌هایی بر آثار ادبی ویکتور هوگو» به چاپ رسید.

لیومینگ جیو یکسر و گردن بالاتر از سایر هوگو شناسان چین است. اثر او در باره هوگو، که در آغاز دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، به خاطر دوران ده ساله «انقلاب فرهنگی» دچار وقفه شد، اما با اینهمه کاری برجسته است. لیو تمام آثار نظری ویکتور هوگو را ترجمه کرده و تحت عنوان «ویکتور هوگو در ادبیات سخن می‌گوید» گردآورده است. همچنین در یادنامه «تاریخ ادبیات فرانسه» که دو جلد اول

زندگی و زمان بقیه از صفحه ۱۷

قرار می‌گیرد، از سوی هوگو به عنوان گامی قهقراپی رد می‌شود. وضعیت مطلوب از نظر هوگو عبارت بود از آموزش و پرورش آزاد، غیر کلیسایی و بالاتر از همه اجباری، به طوری که «روزنامه‌های دانش به روی تمام مغزها گشوده باشد». نطق نیرومند و نافذ هوگو درباره «آزادی آموزش و پرورش» و سایر اعتراضاتش سرانجام او را از نمایندگان محافظه کار دور می‌کند. نطقهایی علیه محدودیتهای مربوط به حق رأی و علیه تبعید و همچنین نطقهایی در حمایت از آزادی در تئاتر و مطبوعات از جمله این اعتراضات است. نامه سرگشاده‌ای خطاب به کنگره بین‌المللی صلح که در فرانکفورت تشکیل جلسه داده است می‌نویسد و همچنان به سرودن شعر، هر چند با آهنگی آرامتر، ادامه می‌دهد. سمفونی فرانتس لیست تحت عنوان «کوهها چه می‌گویند» بر مبنای شعری از هوگو در وایمار اجرا می‌شود.

۱۸۵۱ به موازات اینکه به نحوی فزاینده آماج انتقادات اکثریت مجلس قرار می‌گیرد، در یکی از ماجراهای عشقی و بحرانی زندگی خویش نیز فرو می‌رود. ژولیت دروئه از رابطه هوگو با لئونی بیار مطلع می‌شود و هم ژولیت و هم لئونی هوگو را در دوراهی انتخاب قرار می‌دهند و شدیداً بر این امر اصرار می‌ورزند. وضع خانواده نیز با رفتن پسران هوگو به زندان، به خاطر نوشتن مقالاتی در روزنامه‌ها درباره مجازات اعدام و حق پناهندگی برای خارجیان، وخیمتر می‌شود. در دوم دسامبر کودتای لوئی ناپلئون با مقاومت هوگو درجبهه جمهوریخواهان مواجه می‌شود، اما ارتش عظیم کودتا و همچنین برخورد غیر فعال مردم شهر با مسئله، کوششهای هوگو را ناکام می‌گذارد. نه روز بعد هوگو تبعید می‌شود. هوگو پس از مستقر شدن در بلژیک فرصت را از دست نمی‌دهد و شروع به نوشتن «ماجرای یک جنایت» می‌کند. اپرای وردی تحت عنوان «ریگولتو»،

AU PEUPLE.

Art. 68 - La Constitution est confiée à la garde et au patriotisme des citoyens français.

Louis-Napoléon est mis hors la loi.

L'état de siège est aboli.

Le suffrage universel est rétabli.

Vive la République !

Aux Armes !

Pour la Montagne réunie

le délégué

VICTOR HUGO.

بعد از کودتای لوئی ناپلئون بوناپارت در دوم دسامبر ۱۸۵۱، هوگو از مردم خواست علیه مردی که بعدها به عنوان ناپلئون سوم روی کار آمد بپاخیزند، اما آلاش او به جانی نرسید. هوگو مجبور شد از کشور بگریزد و تحت نامی جعلی و با گذرنامه‌ای که ژولیت دروئه با تلاش آن را تهیه کرده بود از مرز خارج شود.



آن به چاپ رسیده، فصل مهمی است که در آن لیومینگ‌جیو از هوگو سخن می‌گوید. فنک‌هانجین یکی دیگر از متخصصان برجسته آثار هوگوست که به مطالعه هنر شعری و غنای زبانی این شاعر پرداخته است. ویکتور هوگو بر تعدادی از نویسندگان چینی تأثیر گذاشته است. سومانشو (۱۸۸۴-۱۹۱۸) با خواندن «بینوایان» دنیای جدیدی در برابر خود یافت که مضمونش برای چین آن دوره بسیار پیشرفته بود. لوخون، که قبلاً دیدیم بخشی از «بینوایان» را ترجمه کرده بود، همدردی خاصی نسبت به فانتین، «زنی که حتی در زاغه‌ها نیز مجاز به زندگی نبود»، نشان داد. لوخون مشتاقانه آرزو می‌کرد روزی فرا برسد که این بیعدالتیها از میان برود.

چنین گفته‌اند که باجین در آغاز حیات ادبیش عمدتاً تحت تأثیر امیل‌زولا بوده است. باجین در مقاله‌ای تحت عنوان «باجین از ادبیات سخن می‌گوید» بیان می‌کند که «مردم گمان می‌کنند که مویاسان و زولا پر خواننده‌ترین نویسندگان فرانسوی در چین هستند. اما من شخصاً از ویکتور هوگو و ژان‌ژاک روسو نام می‌برم.» و با جین می‌دانست که «بینوایان» تأثیری عمیق بر او داشته است.

اما محبوبیت هوگو صرفاً منحصر به اهل فن نیست. تعداد کثیری از مردم هوگو را می‌شناسند، درک می‌کنند و او را دوست دارند. هنگامی که فیلم گورزپشت نوتردام در اواخر دهه ۱۹۷۰ روی صحنه بسود، صفهای درازی در مقابل سینماها تشکیل می‌شد و فیلم‌تلوویزیونی «ماری تودور» نیز در ۱۹۸۳ با شور فراوانی مورد استقبال واقع شد.

ما هوگو را به‌خاطر انقلابی که در ادبیات ایجاد کرد و «کرامول» او در ۱۸۲۷ برای مکتب رمانتیک یک پیروزی بود و آزادی را به تخیل و مضمون وارد کرد دوست داریم.

ما هوگو را دوست داریم به‌خاطر مبارزه اصیل و دفاع دلیرانه‌اش از عدالت. هوگو «ناپلئون کوچک»، «تاریخیک جنایت» و «کیفرها» را نوشت تا با خود کامکان بجنگد و از جمهوری دفاع کند. هوگو در ۱۸۵۹ از سوی ناپلئون سوم مورد بخشودگی قرار می‌گیرد، اما با اعلام اینکه «من زمانی باز می‌گردم که آزادی بازگشته باشد» ناپلئون را تحقیر می‌کند. در واقع او زمانی پس از نوزده سال تبعید دوباره قدم به پاریس می‌گذارد که

تصویری در صفحه اول کتاب «کیفرها» به قلم او توره دومیه (۱۸۵۸-۱۸۷۹). عقاب سلطنتی که در زیر اشعار هوگو له شده است با ضربه عدل الهی نابود می‌گردد.

شود آن را می‌پذیرند. افراد خانواده هوگو در طی یک دوره دو ساله با بیش از صد «روح» تماس برقرار می‌کنند و پیامهایی از داتسه، مسیح، موتزارت، روسو، سقراط، شکسپیر و لوتر دریافت می‌دارند. در ماه نوامبر کیفرها در دو نسخه کامل و سانسور شده منتشر می‌شود و سپس هر دو نسخه به صورت قاچاق به فرانسه راه می‌یابد.

۱۸۵۶ پیامهای صادره از سوی ارواح و همچنین از آثار عظیم شعری هوگو همچنان ادامه می‌یابد. تصویب قانون مجازات مرگ در جزیره مجاور، شاعر تبعیدی را بر آن می‌دارد که از «اهالی گرنزی» بخواهد که برای لغو این مجازات، که در شأن زمان نیست، اقدام کنند. هوگو سرودن شعر بلندی را که سرانجام نام تصاقبت شیطان بر خود می‌گیرد آغاز می‌کند، و در سالگرد انقلاب ۱۸۴۸ نطقی غنایی و آرمانی ایراد می‌کند که در آن ظهور ایالات متحد اروپا و در واقع پیدایش یک جمهوری جهانی را سرآغاز پایان گرفتن فقر

که بر مبنای «شاه تفریح می‌کند» اثر هوگو ساخته شده است، برای اولین بار در وینز روی صحنه می‌رود.

۱۸۵۴ مبارزات سیاسی هوگو منحصر به نویسندگی می‌شود و هوگو در نامه‌ای به زنتش عبارت «قلم در برابر تفنگ» را در این زمینه می‌آورد. نوشتن کتاب «ماجرای یک جنایت» پیش می‌رود و شواهد به دست آمده از فرانسویان تبعید شده یا فراری هر چه بیشتر آن را موثق‌تر می‌کند، و کتاب «نپلئون کوچک» ظرف چند هفته شکل می‌گیرد.

دولت بلژیک هوگو را مطلع می‌سازد که چنانچه کتابی درباره «شاهزاده - رئیس‌جمهور» منتشر کند خود را در معرض خطر تبعید قرار داده است، و هوگو به دنبال این امر بروکسل را ترک می‌کند و به جرزی می‌رود و افراد خانواده‌اش و همچنین زولیت در آنجا به او می‌پیوندند. در ۲۹ نوامبر در سالگرد انقلاب ۱۸۳۰ در لهستان، هوگو تعلق یسادی می‌کند و لهستانها را به خاطر اینکه «اولین گروه اعدام‌شدگان» بودند تحسین می‌کند.

۱۸۵۴ «مجموعه سخنرانیهای هوگو در بلژیک» منتشر می‌شود. هوگو در جرزی به هجویه سرائی ادامه می‌دهد. خانواده هوگو با پدید آمدن «احضار روح» آشنا می‌شوند. آنها ابتدا نسبت به این امر مشکوک‌اند، اما ظاهراً پس از ارتباطی که میان آنها و لئوپولدین برقرار می‌-

قدرتمندترین و نابترین صفحات آثار او به توصیف افشار پائین اجتماع، به بیچارگان و مطرودان و به تمام آنهایی می‌پردازد که روحی اصیل و شریف دارند.

گوزیمودو، ناقوس بان کلیسای نوتردام، سیمائی زشت و هیولایی دارد، باینهمه افسانه‌ی نیک و دارای روحی اصیل است. اسمالدای کولی فردی است پخشنده، حساس و بلندنظر. ژانو الزان که برای سیر کردن شکم برادرزاده در حال مرگش دست به دزدی نان می‌زند، شجاعت زیادی از خود نشان می‌دهد. او نماد امید بشر برای رسیدن به دنیائی عادلانه‌تر است. و از زمانی که گاوروش، جوانک شیطان و رام نشدنی پاریسی، برصحنه تلویزیون ظاهر شده است، به صورت نمونه‌ای افسانه‌ای از دنیای نوباوگان چین درآمده است.

و بالاخره این بشردوست پرشور از جنگ متفرق است و در راه صلح مبارزه می‌کند. و این نیز یکی دیگر از دلایل محبوبیت او نزد مردم چین است.

اکنون در صدمین سالگرد مرگ او مردم چین آرزو دارند بتوانند به مردم فرانسه و همه مردم جهان پیوندند و در بزرگداشت او سهم داشته باشند. ویکتور هوگو همواره در پیش ما و در قلب ما زنده خواهد ماند.

لی مئی یینگ، اهل چین، استاد زبان فرانسه در دانشگاه بی جینگ، که خود قبل از اتمام تحصیلاتش در دانشگاه رنس پاریس در آنجا دانشجو بود. این خانم تعدادی از آثار نویسنده‌گان مشهور چینی را به فرانسوی ترجمه کرده است: «قهوه‌خانه»، اثر لاوشه و سه اثر از باجین تحت عنوان «باران»، «مه» و «پائیز».

امپراتوری دوم سقوط کرده و جمهوری اعلام شده است.

عظمت روح او کویوان (۳۴۰-۲۷۸ ق.م)، اولین شاعر بزرگ چین را به خاطر ما می‌آورد که در راه مبارزه با اشرافیت فاسد و ارتجاعی جان باخت.

صدای ویکتور هوگو در هر کجای دنیا که ظلمی در آن باشد بلند است. فراموش نباید کرد که چین بیش از یک قرن زیر ستم خارجیان و مور تجاوز و تاراج آنان بود پس آنکه بتواند مقاومتی جدی از خود نشان دهد. چنین بود که «یوان‌مینگ یوان» (قصر تابستانی)، این معجزه معماری، به دست نیروهای اعزام شده از انگلستان و فرانسه غارت و به آتش کشیده شد! در آن روزهای سیاهی که ظاهراً همه دنیا چین را فراموش کرده است، از جزیره کوچکی در گوشه‌ای دور در اروپا، از خانه یک تبعیدی، آوایی سوار بر امواج عدالت برمی‌خیزد و این راهزنی آشکار را محکوم می‌کند. این آوا آوای هوگوست (صفحه ۱۴ را ببینید).

آری، برای ما چینیا آوای هوگو همچون آوای عدالت است. هوگو که همواره در کنار ضعفا و در کنار کسانی است که حق زندگی خود را می‌طلبند، تا آنجا از خود بزرگواری نشان می‌دهد که در خانه خویش را به روی یاقبان گمبون پاریس می‌گشاید. او بارها در مجلس سنا خواستار «عفو عمومی سراسری، سخاوتمندانه، فارغ از ملاحظات، شرایط و محدودیتها» برای کمونازها می‌شود، بی‌آنکه از استهزاء نیروهای ارتجاعی تشنه انتقام ترسی به خود راه دهد.

و سرانجام هوگو بدین خاطر در چین محبوبیت دارد که در آثار عظیمش آرمانهای دموکراتیک و انسانی موج می‌زند. زیباترین،



طرح آب مرکب به قلم ویکتور هوگو که یک چینی را در مقابل نوعی معبد نشان می‌دهد.

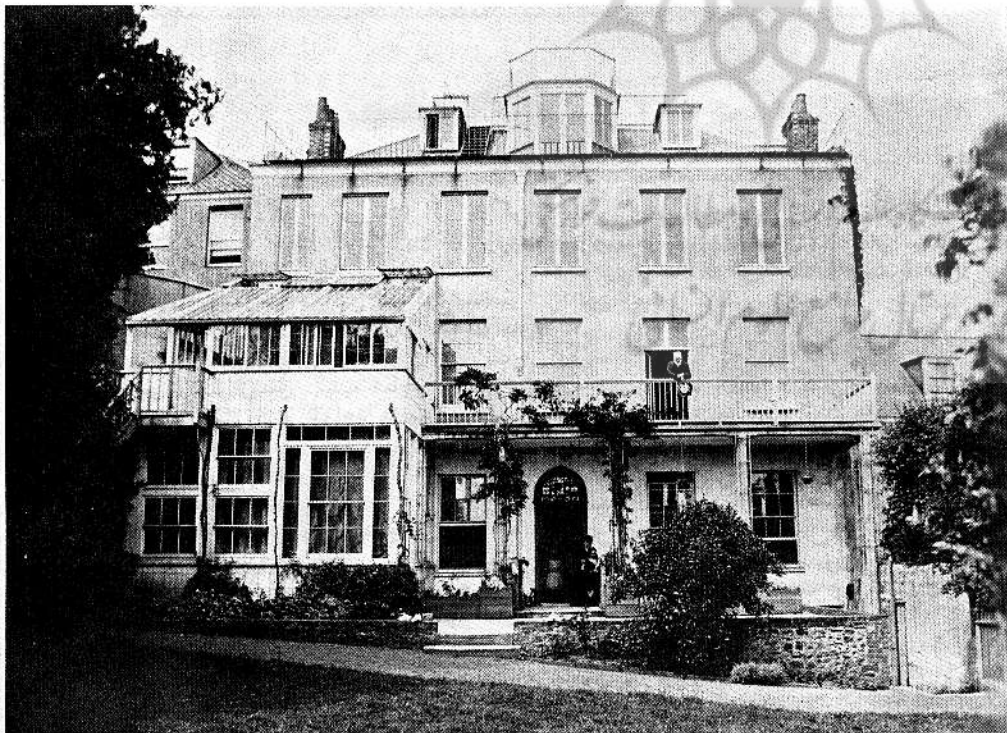
زندگی و زمان

و جهل و پیدایش تمدنی فرهیخته و متوازن به حساب می‌آورد. «کمیته امنیت عمومی اسپانیا» از هوگو دعوت می‌کند که در اسپانیا اقامت گزیند و هوگو شدیداً در وسوسه پذیرش این پیشنهاد قرار می‌گیرد. سالگرد انقلاب لهستان این فرصت را برای هوگو فراهم می‌آورد که رساله‌ای علیه جنگ کریمه منتشر کند.

۱۸۵۵ آبل هوگو، برادر بزرگتر هوگو، می‌میرد. هوگو بار دیگر به مناسبت سالگرد انقلاب ۱۸۴۸ صفحات درخشانی می‌نگارد و از جمله تعدادی شعر می‌سراید که به مجموعه «تأملات» افزوده می‌گردد. در ماه اکتبر سه تن از تبعیدیان فرانسوی از جزیری اخراج می‌شوند. هوگو با صدور اعلامیه‌ای که به امضای سی و پنج تن از سایر تبعیدیهای فرانسوی، آلمانی، لهستانی، مجارستانی و ایتالیایی می‌رسد از آنان دفاع می‌کند و چندی بعد فرمانی مبنی بر اخراج تمام تبعیدیها صادر می‌شود. هوگو به جزیره گرنزی می‌رود و همراه با خانواده‌اش در سن-پیرپورت اقامت می‌گزیند.

۱۸۵۶ هوگو بخشهای بزرگی از «خدا» را می‌نویسد. مجموعه «تأملات» در ماه آوریل به چاپ می‌رسد و آنچنان موفقیتی کسب می‌کند که هوگو تصمیم می‌گیرد با خریدن خانه‌ای در خیابان اوتویل، پلاک ۳۸، برای اولین بار در زندگی صاحب ملکی بشود و از اخراج شدن به دست صاحبخانه‌ها خلاصی یابد. تزئین کردن خانه، که تماماً توسط هوگو طرح‌ریزی و نظارت می‌شود، سالها به طول می‌انجامد، با اینهمه خانواده هوگو در پائین همین سال بدانجا می‌روند. شاعر تبعیدی با مخاطب قراردادن دو ملت ایتالیا و یونان دو اثر دیگر می‌آفریند: «در ایتالیا» و «در یونان».

Photo © Collections de la Maison de Victor Hugo-SPADEM, 1985



سه طبقه، نظیر شعری دارای چندین اتاق». در بالای عمارت «دیدگاه» به چشم می‌خورد که هوگو در آنجا کار می‌کرد. این خانه که در سال ۱۹۴۷ از سوی نوادگان هوگو به «شهر پاریس» اهدا شد، به همان گونه که هوگو آن را تزئین کرده بود دست نخورده باقی مانده است. دیدار از این خانه از آوریل تا اکتبر برای عموم آزاد است.

خانه اوتویل، خانه هوگو در گرنزی که هوگو آن را از عایدات کتاب «تأملات» در ۱۶ مه ۱۸۵۶ خرید و تا سال ۱۸۷۰ در آن زندگی کرد. عکس فوق نمای خانه را نشان می‌دهد که مشرف به باغچه و دریاست. هوگو تمام استعداد خود را به عنوان یک دکوراتور داخلی برای تزئین داخلی این بنای وسیع به کار می‌گیرد و چیزی می‌سازد که پسرش شارل آن را چنین توصیف می‌کند، «دستویسی